

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری

دادسرا

(دکترین و رویه قضایی)

جلد نهم



تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: دادسرا (دکترین و رویه قضایی)/
مشخصات نشر	: تدوین موسی رحیمی، محم مهدی مخبریان نژاد، رضا رحیمی دهنسوری.
مشخصات ظاهری	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
فروست	: ۴۴۸ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ [ج. ۹].
وضیعت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۲۵-۵؛ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۱۳-۲
یادداشت	: فیفا
یادداشت	: عنوان دیگر: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادسرا (دکترین و رویه قضایی).
عنوان دیگر	: کتابنامه: ص. ۴۴۰ - ۴۴۸.
موضوع	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادسرا (دکترین و رویه قضایی). آیین دادرسی جزایی — ایران Criminal procedure — Iran حقوق جزا — ایران Criminal law — Iran رویه قضایی — ایران Jurisprudence — Iran دادسراها — قوانین و مقررات — ایران Public prosecutor's offices — Law and legislation — Iran
شناسه افزوده	: رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -، گردآورنده
شناسه افزوده	: مخبریان نژاد، محمهددی، ۱۳۶۵ -، گردآورنده
شناسه افزوده	: رحیمی دهنسوری، رضا، ۱۳۶۶ -، گردآورنده
شناسه افزوده	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ [ج. ۹].
رده بندی کنگره	: KMH۴۶۱۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۷۱۱۵۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیفا

نام کتاب	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادسرا
ناشر	: (دکترین و رویه قضایی) جلد نهم
تدوین	: چتر دانش
نوبت و سال چاپ	: موسی رحیمی - محمد مهدی مخبریان نژاد - رضا رحیمی دهنسوری
شمارگان	: اول - ۱۴۰۱
شابک	: ۱۰۰۰
قیمت	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۲۵-۵
	: ۲۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست^۱ احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز^۲ و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد^۳ یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است^۴، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفری از آن‌جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه ای ۲۰ جلدی است به دادسرا اختصاص یافته است و به شرح و تفسیر

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا﴾

۴. سوره صاد، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

مواد قانونی مرتبط با دادسرا از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

RezaRahimi127@yahoo.Com

فهرست

- پیشگفتار..... ۴
- بخش اول - دادستان، ریاست دادسرا..... ۱۳
- فصل اول - دادسرا و حدود صلاحیت آن..... ۱۴
- فصل دوم - وظائف و اختیارات دادستان در دادسرا..... ۲۴
- بند ۱- جهات قانونی شروع به تعقیب..... ۲۴
- بند ۲- وظائف دادستان پیش از شروع تحقیق در جرائم مشهود..... ۳۸
- بند ۳- نظارت دادستان بر روند تحقیقات..... ۴۰
- بند ۴- قرارهای نهایی و تصمیمات صادره توسط دادستان..... ۴۱
- الف- قرار ترک تعقیب..... ۴۱
- ب- قرار بایگانی پرونده..... ۴۴
- پ- قرار تعلیق تعقیب..... ۴۹
- ت- ارجاع به میانجیگری..... ۵۶
- ث- دستور پرداخت دیه از بیت المال..... ۵۸
- بند ۵- صدور کیفرخواست..... ۶۱
- الف- شرایط صدور کیفرخواست..... ۶۱
- ب- عدول از کیفرخواست..... ۶۸
- پ- کیفرخواست شفاهی..... ۷۰
- بند ۶- تعقیب مجدد متهم پس از قطعیت قرار منع تعقیب..... ۷۳

بند ۷- تفویض اختیارات دادستان به دادیار	۷۵
فصل سوم- وظائف دادستان نسبت به ضابطان دادگستری	۷۸
فصل چهارم- وظائف و اختیارات دادستان کل کشور	۸۰
بخش دوم- بازپرس، مقام تحقیق دادسرا	۹۱
فصل اول- صلاحیت بازپرس	۹۲
بند ۱- صلاحیت بازپرس در حوزه قضائی	۹۲
بند ۲- صلاحیت بازپرس در خارج از حوزه قضائی	۱۰۵
فصل دوم- وظائف و اختیارات بازپرس در تحقیقات مقدماتی	۱۱۱
بند ۱- تعریف تحقیقات مقدماتی	۱۱۱
بند ۲- شرایط شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس	۱۱۲
بند ۳- نحوه انجام تحقیقات مقدماتی	۱۲۱
بند ۴- قرار تامین خواسته	۱۴۴
فصل سوم- اقدامات بازپرس پس از ختم تحقیقات	۱۵۴
بند ۱- ختم تحقیقات و اخذ آخرین دفاع	۱۵۴
بند ۲- ختم تحقیقات و تکلیف صدور قرار نهایی	۱۵۷
بند ۳- مراحل تایید قرار نهایی	۱۶۷
بخش سوم- احضار، جلب و تحقیق از متهم، شاهد و مطلع در دادسرا	۱۷۹
فصل اول- احضار، جلب و تحقیق از متهم	۱۸۰

- بند ۱- احضار متهم و کیفیت ابلاغ ۱۸۰
- بند ۲- انواع و کیفیت جلب متهم ۱۹۶
- بند ۳- دستور منع خروج متهم پیش از دسترسی ۲۰۲
- بند ۴- کیفیت تحقیق از متهم ۲۰۴
- فصل دوم- احضار، جلب و تحقیق از شهود و مطلعان ۲۳۹**
- بند ۱- احضار و جلب شهود و مطلعان ۲۳۹
- بند ۲- کیفیت تحقیق از شهود و مطلعان ۲۴۰
- بند ۳- ممنوعیت تفهیم اتهام به شهود و مطلعان ۲۵۰
- بخش چهارم- قرارهای تامین و نظارت قضائی در دادسرا ۲۵۳**
- فصل اول- قرارهای تامین کیفری ۲۵۴**
- بند ۱- فلسفه و انواع قرارهای تامین کیفری ۲۵۴
- بند ۲- شرایط کلی صدور قرارهای تامین کیفری ۲۶۴
- بند ۳- شرایط اختصاصی صدور قرار بازداشت موقت ۲۷۳
- بند ۴- شرایط فک، تخفیف، تشدید و ابقای قرارهای تامین کیفری ۲۷۹
- بند ۵- قرار قبولی از درخواست تا صدور ۲۹۱
- بند ۶- شرایط ضبط وثیقه، اخذ وجه التزام و وجه الكفاله ۲۹۴
- بند ۷- شرایط اجرای حکم از محل وجه التزام، وجه الكفاله و وثیقه ۳۰۳
- بند ۸- شرایط لغو قرارهای تامین و نظارت قضائی ۳۰۴

فصل دوم- قرارهای نظارت قضائی.....	۳۰۹
فصل سوم- مطالبه خسارت ایام بازداشت.....	۳۱۵
بخش پنجم- معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی در دادسرا.....	۳۱۹
فصل اول- معاینه محل و تحقیق محلی.....	۳۲۰
بند ۱- بایدها در معاینه محل و تحقیق محلی.....	۳۲۰
بند ۲- بایدها در صحنه جرم.....	۳۲۳
فصل دوم- بازرسی اماکن و اشیاء.....	۳۲۶
بند ۱- تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء.....	۳۲۶
الف- بایدها در تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء.....	۳۲۶
ب- بایدها در اشیاء و اموال مکشوفه در روند تفتیش و بازرسی.....	۳۳۴
بند ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی و حساب های بانکی.....	۳۴۵
بند ۳- تفتیش و بازرسی مراسلات پستی.....	۳۴۸
بند ۴- بازرسی اشیاء در تصرف ثالث.....	۳۵۰
فصل سوم- کارشناسی.....	۳۵۲
بخش ششم- اجرای احکام کیفری و اقدامات تامینی و تربیتی.....	۳۶۳
فصل اول- قواعد کلی حاکم بر اجرای احکام کیفری.....	۳۶۴
بند ۱- دادستان، مجری احکام کیفری.....	۳۶۴

- بند ۲- بررسی ساختار معاونت اجرای احکام کیفری..... ۳۶۷
- بند ۳- وظائف ابتدائی قاضی اجرای احکام کیفری ۳۷۰
- بند ۴- آراء کیفری قابل اجراء..... ۳۷۲
- بند ۵- قواعد کلی اجرای آراء کیفری ۳۷۴
- بند ۶- تعویق اجرای احکام کیفری ۳۸۰
- بند ۷- شرایط صدور قرار موقوفی اجراء..... ۳۸۵
- بند ۸- نحوه اعمال مقررات تعدد و تکرار جرم در مرحله اجرای احکام کیفری... ۳۸۶
- فصل دوم- نحوه اجرای مجازات حبس ۳۹۴**
- بند ۱- الزامات زندان در اجرای مجازات حبس ۳۹۴
- بند ۲- نحوه محاسبه ایام بازداشت قبلی محکوم ۳۹۸
- بند ۳- الزامات قاضی اجرای احکام در اجرای مجازات حبس..... ۴۰۰
- بند ۴- شرایط اعطای مرخصی به محکومان در حبس..... ۴۰۴
- بند ۵- کانون اصلاح و تربیت..... ۴۰۶
- فصل سوم- نحوه اجرای محکومیت های مالی..... ۴۰۷**
- بند ۱- نحوه اجرای محکومیت به پرداخت جزای نقدی..... ۴۰۷
- بند ۲- نحوه اجرای محکومیت به پرداخت دیه ۴۲۲
- بند ۳- نحوه اجرای محکومیت به رد مال ۴۲۴
- بند ۴- نحوه اجرای دستورات مالی دادستان..... ۴۲۴

فصل چهارم - نحوه اجرای سایر احکام کیفری ۴۲۸

بند ۱- اجرای مجازات های منوط به درخواست محکوم له ۴۲۸

بند ۲- اجرای حکم سلب حیات و قصاص ۴۲۸

بند ۳- اجرای حکم تبعید یا اقامت اجباری ۴۳۰

بند ۴- اجرای احکام رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق ۴۳۲

فصل پنجم - نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار

تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های

الکترونیکی ۴۳۴

بند ۱- کلیات ۴۳۴

بند ۲- اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات ۴۳۶

بند ۳- نظام نیمه آزادی و آزادی های تحت نظارت سامانه های الکترونیکی ۴۳۸

فهرست منابع ۴۴۰



بخش اول – دادستان، ریاست دادسرا



فصل اول - دادرسی و حدود صلاحیت آن

ماده ۲۲- به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.

دولتی و عمومی ذی‌ربط در حوزه	اقامه دعوی لازم برای حفظ
وظایف قانونی خود مکلف به طرح	حقوق عمومی مذکور در ماده ۲۲
دعوا و یا دفاع از دعوی مربوط	ق.آ.د.ک ناظر به ماده ۱۱ و سایر
می‌باشند، چنان‌که تبصره الحاقی	موارد قانونی است که مقنن وظایفی
مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ ماده ۳۴۲	را بر عهده دادستان مقرر کرده
قانون آیین دادرسی کیفری دفاع	است؛ بنابراین دادستان تنها در
از حقوق بیت‌المال را در موارد	موارد قانونی مانند تبصره یک ماده
پرداخت دیه از بیت‌المال بر عهده	۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل
دستگاه پرداخت‌کننده دیه قرار	کشور و یا مواردی که لازمه انجام
داده است. (نظریه ۷/۹۴/۲۶۰۹-	وظایف محوله قانونی وی است،
۱۳۹۴/۹/۳۰ ا.ح.ق.)	مکلف به طرح دعوی حقوقی است.
	بدیهی است هر یک از دستگاه‌های

ماده ۲۳- دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

نام آووکا یا پروکوروود به نیابت	پیدایش دادرسی، به‌عنوان یک نهاد
از سوی سلاطین و برای دفاع از	فرانسوی بعد از انقلاب مشروطه
منافع آنان در دادگاه‌ها شرکت	وارد سازمان قضایی کشور ما شد.
می‌جستند. (آشوری، آ.د.ک، ج ۱،	در قرون‌وسطا در اروپا، افرادی به

ص ۱۰۰).
 تکلیف دادرسی به اقامه‌ی دعوی عمومی تحت عنوان قاعده «قانونی بودن تعقیب» یا «الزامی بودن تعقیب» به رسمیت شناخته شده است (نظریه ۷/۲۶۱۴-۱۳۹۴/۹/۳۰.ح.ق).
 غیاب دادستان جانشین اوست. دادیار، صاحب‌منصبی است که به نمایندگی از طرف دادستان انجام‌وظیفه می‌کند و بازپرس (قاضی تحقیق) و یا مستنطق عبارت است از صاحب‌منصبی که تحقیق مقدماتی جرائم و جمع‌آوری دلایل به سود و زیان متهم بر عهده اوست و تحت نظارت دادستان وظایف قانونی خود را انجام می‌دهد. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۰۹).

ماده ۲۴- در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

مطابق مفاد این ماده، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی است و در غیاب وی، این وظیفه بر عهده دادرس علی‌البدل است، حال آن‌که مطابق بند «الف» قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) وظیفه دادستان را دادرس علی‌البدل انجام می‌داد.
 عهده‌دار وظایف دادستان و بازپرس نیز خواهد بود، مواد ۲۴، ۲۹۹، ۳۳۶ و ۳۳۷ به این موارد تصریح نموده است.
 به نظر می‌رسد در فرض غیاب رئیس حوزه قضایی دادگاه بخش و دادرس علی‌البدل با عنایت به ملاک مواد ۳۳۶ و ۳۳۸، رئیس شعبه‌ای که دارای سابقه قضایی بیشتری است عهده‌دار وظایف دادستان می‌باشد. (نظریه ۱۰/۲۶۱۴/۹۴/۳۰/۳۹۴/۱۷.ح.ق).
 مطابق این قانون دادگاه بخش علاوه بر این‌که به جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند، در مواردی

تبصره ۳ ماده ۴۸۴ قانون مرقوم، در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است؛ بنابراین در صورت صدور دستور اخذ وجه الكفالة یا صَبَط وثیقه توسط قاضی دادگاه بخش که مطابق ماده ۲۳۰ قانون فوق‌الذکر صادر گردیده، اجرای آن، مطابق ماده ۵۳۷ قانون با رئیس دادگاه بخش و در نبود ایشان با عضو علی‌البدل، می‌باشد و نیز رسیدگی به اعتراض نسبت به صدور دستور صَبَط مذکور هم به‌موجب تبصره ماده ۲۳۵ قانون فوق‌الاشعار با دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است. (نظریه ۹۴/۱۱/۲۰-۱۷/۳۲۱۵.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۲۷- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن

با توجه به این‌که رسیدگی به جرائم مربوط به مواد مخدر حسب بند ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ در صلاحیت دادگاه انقلاب است و عهده‌دار بودن وظیفه دادستان در حوزه قضایی بخش از سوی دادرسی علی‌البدل به معنای صلاحیت دادگاه بخش در رسیدگی به جرائم مربوط به مواد مخدر نمی‌باشد، بنابراین دادگاه عمومی بخش صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرائم مزبور را ندارد. (از نظریه ۹۳/۲/۲-۷/۹۳/۱۶۰.ح.ق).

در حوزه بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی بخش و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی‌البدل دادگاه بخش است و چون به‌موجب ماده ۴۸۴ قانون مذکور، اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام و دادیاران این معاونت تحت ریاست و نظارت دادستان به شرح مقررات مندرج در این ماده، انجام وظیفه می‌کنند و هم‌چنین طبق

(۳۰۲) این قانون، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید. ماده ۳۳۶- در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی‌البدل است. ماده ۳۳۷- در جرائم موضوع ماده

ماده ۲۵- به تشخیص رئیس قوه قضاییه، دادرسهای تخصصی از قبیل دادرسای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسای شهرستان تشکیل می‌شود.

قبیل» تمثیلی هستند و در صورت تشخیص رئیس قوه قضائیه حسب مورد می‌توانند افزایش یابند. قوانین مرتبط: از بخشنامه دادستان کل کشور در خصوص حفظ حقوق بیت‌المال و منابع طبیعی و محیط‌زیست به دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور سال ۱۳۹۵: ۱. با توجه به ضرورت

توجه به دو نکته حائز اهمیت است، نخست این‌که این دادرسها تخصصی هستند نه اختصاصی چرا که این دادرسها در واقع قسمتی از دادرسهای عمومی هستند که تخصصی شده‌اند. بنابراین ارجاع سایر پرونده‌ها در صورت ضرورت ممکن است. دوّم: دادرسهای نامبرده شده با توجه به عبارت «از

رسیدگی تخصصی و خارج از نوبت نسبت به گزارش‌های مربوط به تصرف غیرمجاز اراضی جنگلی و مراتع و تخریب محیط‌زیست مقتضی است حسب حجم پرونده‌های وارده بر اساس بخشنامه شماره ۱/۸۲/۱۰۶/۷۵ مورخ ۸۲/۶/۳۰ مصوب رئیس محترم قوه قضائیه با هماهنگی روسای محترم کل دادگستری استانها، مجتمع یا شعب ویژه‌های از دادرها به‌ویژه در مراکز استان و شهرستانهای شمالی کشور نسبت به رسیدگی به این‌گونه پروندهها تشکیل شود.

ماده ۲۶- انجام وظایف دادرسی در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام‌وظیفه می‌کند مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

صلاحیت هر دادرسی تابع صلاحیت دادگاهی است که دادرسی در معیت آن، انجام وظیفه می‌کند. با این توضیح به انشاء ماده ۲۶ نیازی وجود نداشت. این امر ناشی از عدم آگاهی کامل نویسندگان قانون، به روش‌های آیین دادرسی کیفری است. قسمت اخیر آن نیز جایگاهی ندارد، زیرا، روش یادشده نمی‌تواند استثناء داشته باشد. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۱).

ماده ۲۶ را باید عام و قلمرو آن را کلیه جرائم دانست، اما ماده ۴۰۱ را باید خاص و ناظر به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک دانست که با توجه به تبصره ماده ۲۹۷ شامل دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند، نیز می‌شود. (خالقی، آ.د.ک، ص ۵۱).

مواد ۲۶ و ۴۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به دو امر متفاوت بوده و تعارضی با یکدیگر ندارند، به‌نحوی که هر یک در مجرای خود قابل‌اعمال‌اند. زیرا ماده ۲۶ ناظر به تعیین دادرسی صالح در تحقیقات مقدماتی جرائمی است که در مورد آنها دادگاه

مورد رسیدگی دادگاه کیفری یک قرار گیرد که در این صورت وظایف و اختیاراتی نظیر شرکت در جلسه دادگاه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است؛ مانند جرائم قتل عمدی که مستلزم مجازات سلب حیات می‌باشد. ب- انجام تحقیقات راجع به جرائم مربوط به صلاحیت دادگاه انقلاب توسط دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان محل وقوع جرم و لو آن که دادگاه انقلاب در خارج از حوزه آن شهرستان مُستقر باشد از نظر قانونی واجد ابهامی نمی‌باشد و در عمل نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد. (از نظریه ۹۴/۹/۳۰-ق. ۱۷/۲۶۱۱.ح. ق).

محل وقوع جرم صالح به رسیدگی نمی‌باشد؛ مانند صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب تهران در رسیدگی به جرائم ارتكابی مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ قانون فوق‌الذکر در خارج از حوزه قضایی تهران. اما ماده ۴۰۱ آن قانون، ناظر به تعیین وظایف و اختیارات دادرسی محل وقوع جرم در مواردی است که به لحاظ وقوع جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، پرونده امر منتهی به صدور کیفرخواست از سوی دادرسی محل وقوع جرم شده است و لکن در حوزه قضایی دادرسی یادشده، دادگاه کیفری یک مُستقر نمی‌باشد و پرونده باید در خارج از حوزه قضایی مزبور،

ماده ۲۷- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

دادستان استان حذف شده است؛ و با حفظ دادستان شهرستان مرکز استان در جایگاه قبلی خود و دادن حق نظارت به ایشان بر عملکرد

در دوران پیش از انقلاب، در مراکز استان‌ها؛ دادستان استان انجام وظیفه می‌کرد و در حال حاضر به ناحق در سازمان قضایی کشور ما،

دادستان شهرستان‌های استان، بدون این‌که در روند پرونده‌های سبب دلسرد شدن دادستان‌های غیر مراکز استان می‌شود. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۳).

حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم، متضمن حق حضور در جلسات بازجوی و حق درخواست انجام اقدام تحقیقی خاص نیز می‌باشد. (خالقی، آ.د.ک، ص ۵۱).

نظارت دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها و مقامات قضایی داسراهای شهرستان‌های آن استان در ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به معنای دخالت در امور مربوط به وظایف اداری و قضایی آن‌ها نیست، با این توضیح که دادستان شهرستان مرکز استان، حق دخالت در اقدامات قضایی مقامات داسراهای شهرستان‌های مرکز آن استان را نداشته و صرفاً بر اجرای صحیح قانون در داسرای مزبور نظارت داشته و عنداللزوم نسبت به ارائه تعلیمات الزام و تذکر مراتب اجرای قانون می‌پردازد،

مربوط در عمل دخالتی داشته باشد و لذا نظارت مزبور باید به نحوی اعمال گردد که اعمال مدیریت از سوی رئیس دادگستری شهرستان و دادستان شهرستان مختل نگردد. بنابراین نظارت استصوابی منتفی است. (نظریه ۹۴/۹/۴-۲۶۱۲/۷/ ا.ح.ق).

اختیارات و وظایف نظارتی دادستان شهرستان مرکز استان، مذکور در ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی از جمله امور قائم به شخص نیست که قابلیت تفویض به سایر مقامات ذی‌ربط در داسرا را نداشته باشد و به‌موجب ماده ۸۸ قانون فوق‌الذکر، دادستان می‌تواند وظایف و اختیارات خود (اعم از قضایی و اداری) را به معاون خود یا دادیاران تفویض نماید؛ بنابراین با توجه به فقدان نص قانونی بر منع دادستان مرکز شهرستان در تفویض اختیارات و وظایف، موجب قانونی جهت سلب تفویض اختیار از سوی

وی در امر نظارت موضوع ماده ۲۷ قانون مارالذکر وجود ندارد. (نظریه ۷/۹۴/۲۹۲۳-۷/۱۰/۲۷/۹۴/ا.ح.ق). قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۲۴- در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است. ماده ۳۳۶- در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی‌البدل است. ماده ۳۳۷- در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند.

هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

از دستورالعمل نظارت دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان (موضوع ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری): در اجرای صحیح مواد ۲۸۸ و ۲۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و به‌منظور هماهنگی و اتخاذ رویه واحد در امر نظارت دادستان‌های مرکز استان بر دادرس‌های شهرستان، موضوع، ماده ۲۷ قانون مذکور این دستورالعمل به شرح ذیل ابلاغ می‌گردد: ۱. دادستان شهرستان مرکز استان مکلف است در مقام اعمال نظارت و ارائه تعلیمات لازم در امور دادرس‌ها، اتخاذ تصمیمات به‌موقع و صحیح قضایی را مورد توجه قرار دهد و عندالاقضاء ضمن ملاحظه پرونده‌های مربوط رهنمودهای لازم را به‌نحوی که دخالت در کار قضایی

- یا موجب تأخیر در دادرسی نباشد
۱. متذکر شود. بدیهی است تشکیل کلاس‌های آموزشی کماکان توسط معاونت منابع انسانی دادگستری استان خواهد بود.
۲. محوره‌های نظارت و تعلیمات اموری از قبیل کشف جرم، تعقیب متهمین، تحقیقات مقدماتی، نحوه ارجاع پرونده‌ها، صدور قرارهای تأمین و نهایی، دفاع از کیفرخواست، اجرای احکام، ابلاغ اوراق قضائی، امور زندانیان، اقدامات راجع به پیگیری و نظارت بر ضابطان (عام و خاص)، پیشگیری از وقوع جرم و صیانت از حقوق عامه و محجورین می‌باشد. ۳. دادستان شهرستان مرکز استان مکلف است در مقام اعمال نظارت و بازرسی، علاوه بر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، دستورالعمل‌های مصوب رئیس محترم قوه قضائیه به‌ویژه دستورالعمل‌های مربوط به ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری و ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری را مدنظر قرار دهد.
۴. دادستان شهرستان مرکز استان در مقام اعمال نظارت، اگر اشکالاتی را در امور دادرها مشاهده نماید مکلف است ضمن تذکر به دادستان‌های مربوط برای رفع کاستی‌ها، چنانچه نیاز به اتخاذ تصمیم از طریق دادگستری استان یا دادستانی کل کشور باشد، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان اعلام و موضوع را از طریق دادستانی کل نیز پیگیری نماید.
۵. اعمال نظارت دادستان مرکز استان در شهرستان‌ها باید به نحوی باشد که موجب اخلال در امور روزمره دادرسی شهرستان مربوط نگردد. ۶. چنانچه دادستان مرکز استان در مقام نظارت، مواجهه با آراء خلاف شرع بین و یا قانون در محدوده مواد ۲۹۳ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری گردد، ضمن تهیه گزارش کامل و اظهارنظر مستدل و مستند مراتب را به دادستانی کل اعلام می‌نماید.
۷. دادستان شهرستان مرکز استان می‌تواند در جهت اجرای

و روسای دادگاه‌های بخش برگزار و ضمن تبادل نظر در راستای حسن اجرای قانون و دستورالعمل‌ها هماهنگی لازم معمول و نتایج حاصله را به رئیس کل دادگستری استان و معاونت نظارت دادستان کل کشور اعلام نماید. ۱۱. به دادستان مرکز استان در اجرای ماده ۲۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن و ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نمایندگی تفویض می‌شود قبل از ارسال پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌ها و مقامات قضایی دادرسی به دادستانی کل کشور، نظر خود را به صورت مکتوب به رئیس کل دادگستری استان جهت اظهار نظر اعلام نماید.

۱۲. دادستان مرکز استان موظف است ضمن نظارت بر حسن اجرای مقررات ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری از سوی دادستان شهرستان‌ها کمبود و نقایص ضابطان دادگستری را

این دستورالعمل و سایر وظایف نظارتی یکی از معاونین خود را به عنوان نظارت بر دادرسی تعیین نماید. ۸. بانک اطلاعات جامعی تحت نظر دادستان شهرستان مرکز استان مشتمل بر مشخصات هویتی، تحصیلات، سنوات خدمتی، عملکرد قضائی، توان مدیریتی قضات دادرسی شهرستان، جهت بهره‌برداری‌های لازم با همکاری رئیس کل دادگستری و معاونت نظارت دادرسی انتظامی قضات و نماینده حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه ایجاد می‌گردد. ۹. معاون نظارت دادستان کل کشور، مکلف است با همکاری مرکز آمار و فن‌آوری اطلاعات، ارتباط سیستمی بین دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان‌ها با دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، برقرار و با ارتقاء سطح دسترسی دادستان‌ها، امکان نظارت الکترونیک را فراهم نماید. ۱۰. دادستان مرکز استان مکلف است جلساتی به صورت فصلی با دادستان‌های شهرستان‌ها

به صورت فصلی برای انعکاس به فرماندهی نیروی انتظامی و سایر مراجع ذی ربط، به معاونت نظارت دادستانی کل کشور اعلام نماید تا هماهنگی و پیگیری لازم به عمل آید. ۱۳. دادستان شهرستان مرکز استان آن دسته از قضاتی را که با رعایت دستورالعمل‌های ساماندهی زندانیان و اجرای احکام، در حسن استفاده از ظرفیت‌های جدید قانونی مانند تعلیق تعقیب و ... به طور موفق عمل کرده‌اند به دادستانی کل کشور معرفی خواهد نمود. ۱۴. دادستان شهرستان مرکز استان مکلف است آمارهای مورد نیاز دادستانی کل را طبق فرم‌های تهیه شده توسط معاونت نظارت دادستان کل، به صورت ماهیانه ارسال نماید. ۱۵. مقامات قضایی دادگاه‌های بخش در آن قسمت از وظایف خود که

به جانشینی دادستان یا بازپرس انجام می‌دهند مشمول نظارت و تعلیمات دادستان مرکز استان می‌باشند. ۱۶. مسئولیت اجرای صحیح این دستورالعمل با معاون نظارت دادستان کل کشور بوده و نتیجه اقدامات معموله مستمراً به این‌جانب گزارش خواهد شد.

از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۴ مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند ۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضایی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط.

فصل دوم- وظائف و اختیارات دادستان در داسرا

بند ۱- جهات قانونی شروع به تعقیب

ماده ۶۴- جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی

ب - اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص مؤثّق و مطمئن

پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس

ت - اظهار و اقرار متهم

ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

تفاوت جهت دوم با جهت نخست این است که افراد مندرج در بند دوم ذی‌نفع و ذی‌سمت نیستند و شاکی تلقی نمی‌شوند و صرفاً اعلام‌کننده جرم می‌باشند. به همین دلیل بایست جرم اعلامی از جرائم قابل‌گذشت نباشد. زیرا در جرائم قابل‌گذشت تعقیب صرفاً با شکایت شاکی آغاز می‌شود و دادستان بدون شکایت حتی حق تعقیب ندارد. (ر.ک: آ.د.ک مصدق، ص ۱۰۲).

بند پ ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به مواردی است که دادستان یا بازپرس در حین انجام وظیفه باشد و یا شرایط و امکان انجام آن فراهم باشد. بنابراین اولاً: وقت اداری و تعطیلی مانع اقدام وفق بند پ ماده ۶۴ یادشده نمی‌باشد. ثانیاً: هنگامی که دادستان یا بازپرس در حال مرخصی‌اند، تکلیفی در این خصوص ندارند. (نظریه. ۹۴/۹/۳۰-۹۴/۲۶۲۶/۱۷/۹۴.ح.ق).

ماده ۶۵- هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل‌گذشت باشد، در صورتی که قراین و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هرچند قراین و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به‌صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آن‌که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد. یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.

در ماده (۶۵)، صرف ادعای ناظر بودن در صورتی که شاهد متهم به کذب و دشمنی باشد و مستلزم محدودیتی برای طرف باشد، اشکال دارد؛ اگر مانند ماده (۶۷) اصلاح شود، اشکال رفع می‌شود. همچنین اطلاق قسمت اخیر در مواردی که محتمل مهم است نظیر کودتا یا وقوع جرائم تروریستی اشکال دارد. (نظریه شورای نگهبان).

۲- خبر حدسی، که مقابل خبر حسی است، به خبری گفته می‌شود که مبتنی بر نظر و اجتهاد می‌باشد، یعنی راوی، مدلول خبر را از راه حدس به دست آورده است، به‌خلاف خبر حسی که بر ادراک حسی مدلول خبر استوار است، طبق دیدگاه اصولی‌ها، ادله حجیت خبر نقه و عادل، خبر حدسی را شامل نمی‌شود و مختص اخبار حسی

است. (صدر، محمد باقر، درس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۷۳).

۳- اصل بر غیرقابل‌گذشت بودن جرائم است، مگر اینکه در قانون به قابل‌گذشت بودن جرمی تصریح شده باشد. جرائم قابل‌گذشت در ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی و حسب مورد در قوانین خاص احصا شده است که جرائم موضوع قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جزو هیچ‌یک از جرائم احصاء شده نمی‌باشد؛ بنابراین کلیه جرائم قانون مجازات نیروهای مسلح غیرقابل‌گذشت هستند. (نظریه: ۱۰۱۶۳۰-۱۳۹۰/۷/۸۹/۷/۳۴/۹۰ اداره حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح).

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۴۳.

ماده ۶۶ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲ - ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفاند بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳ - (اصلاحی ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکرشده، محروم می‌شوند.

تبصره ۴ (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - اجرای این ماده با رعایت اصل یک‌صد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

انحصار به طفل در تبصره (۱) ماده	شورای نگهبان).
(۶۶)، چون مفهوماً مجنون و سفیه	متن تبصره ۳ ماده بالا عبارت بود
را خارج نموده است، اشکال ندارد.	از «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که
تبصره (۳) ماده (۶۶) از حیث	می‌توانند در اجرای این ماده اقدام
مرجع تصویب، مغایر اصول ۱۵۶	کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال
و ۱۵۷ قانون اساسی است. (نظریه	توسط وزیر دادگستری با همکاری

وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» مطابق بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب دهم بهمن‌ماه یک هزار و سیصد و نودوپنجم مجلس شورای اسلامی، به شرح مذکور در متن کتاب اصلاح شد.

با توجه به ماهیت قابل عدول اذن، به نظر می‌رسد که اذن بزه‌دیده خاص، ولی، قیّم یا سرپرست قانون او به سازمان مردم‌نهاد نیز قابل عدول است. (خالقی، آ.د.ک، ص ۸۷).

این صورت سازمان مزبور به‌عنوان نماینده قانونی بزه‌دیده و مشمول بند «الف» ماده (۴۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تلقی می‌شود و برابر صراحت ماده‌قانونی مزبور در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت می‌کند و نسبت به آرای قضایی می‌تواند اعتراض نماید. مراجع قضایی نیز مکلف‌اند به‌منظور اعمال مقررات قانونی مزبور نتیجه رسیدگی را به سازمان‌های یادشده اعلام نمایند. (نظریه: ۷/۳۴/۱۵۵۴۲۷ - ۱۳۹۳/۵/۲۸ ا.ح.ق).

برابر صراحت تبصره ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، هرگونه اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع ماده‌قانونی یادشده منوط به کسب رضایت بزه‌دیده خاص است، که در

مواد مرتبط: قوانین مربوط به جنون ذیل تبصره ۲ ماده ۱۳ همین قانون بیان شده است.

به آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد در بخش پایانی کتاب (پیوست قوانین و مقررات) مراجعه شود.

ماده ۶۷- گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست، نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرآینی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

ماده ۶۸- شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی

ب- موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ- ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی

ت- ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث- مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان

تبصره- قوه قضائیه مکلف است اوراق متحدالشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار گیرد. عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع شکایت نیست.

ضمانت اجرای عدم درج مشخصات	(۶۸) قانون آیین دادرسی کیفری
خواهان موضوع بند «ا» ماده (۵۱)	۱۳۹۲، قابل تسری نمی‌باشد و
قانون آیین دادرسی مدنی که در	چنانچه هویت شاکی مشخص
ماده (۵۶) آن قانون مقرر شده	نباشد، می‌تواند از مصادیق ماده
است، نسبت به بند «الف» ماده	(۶۷) قانون یادشده تلقی شود.

ماده ۶۹- دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه‌وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضا یا اثرانگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.

در حقوق ایران، برخلاف حقوق	نیست که شکوائیه به صورت کتبی
برخی کشورها مانند فرانسه لازم	تنظیم شود و عرض حال شفاهی و

ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ داسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌گردد، ولی به تعداد لازم، معاون و دادیار دارد و در نبود دادستان، معاون یا دادیار ارشد به جانشینی دادستان انجام وظیفه می‌نماید و مستنبت از ماده ۶۹ این قانون دادستان مکلف است همه وقت شکایت را قبول نماید، بنابراین در خارج از وقت اداری و یا روزهای تعطیل و یا در مأموریت و یا مرخصی بودن دادستان، اعمال مقررات مندرج در ماده ۴۹ قانون مرقوم حسب مورد بر عهده سرپرست، کشیک یا جانشین دادستان خواهد بود. (نظریه ۷/۹۳/۹۲۴-۱۹۳/۴/۲۱.ح.ق).

قوانین مرتبط: از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۶- مرتکبان هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه شش تا ده محکوم می‌شوند. استنکاف از رسیدگی و

حتی ناقص هم قابل پذیرش است. (ر.ک: آ.د.ک، آشوری، محمد، ج ۱، ص ۱۳۱).

در ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که به دادستان تکلیف شده است که شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند، باید رأساً یا به وسیله کارکنان داسرا موارد ذکر شده در ماده ۶۸ را با تحقیق از شاکی یا وکیل وی تکمیل نماید؛ به همین جهت قانون‌گذار ضمانت اجرائی نیز برای برطرف کردن نواقص ماده ۶۸ ذکر نکرده است و نمی‌توان به علت عدم تکمیل یک یا چند مورد از موارد مذکور در این ماده، شکوائیه را بایگانی کرد یا نادیده گرفت. (نظریه ۹۴/۹/۳۰-۱۷/۲۶۲۷.ح.ق).

۳- درست است که داسرا تعطیل‌بردار نیست، ولی در فرض سؤال، منظور از پایان روز پایان وقت اداری است و نظر به این که بعد از وقت اداری نیز در مرکز هر استان و در شهرهای دیگر داسراها قاضی کشیک دارند و این که طبق

امتناع از انجام وظایف قانونی.

ماده ۷۰- در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.

تبصره- در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید.

<p>تعیین قیم موقت به جرائم قابل گذشت محدود می‌شود، زیرا در جرائم غیر قابل گذشت، دادستان تکلیف به تعقیب دارد در جرائمی که واجد هر دو جنبه است، برای درخواست ضرر و زیان نیاز به تعیین قیم می‌باشد، اما تعقیب از جنبه‌ی عمومی بر عهده دادستان است.</p>	<p>قیم او دسترسی نباشد. (ج) ولی یا قیم، خود مرتکب جرم شده باشد، مانند آن که پدر نسبت به فرزند صغیر خود مرتکب ایراد صدمه عمدی شده باشد.) بزه دیده بالغ است ولی به علت بی‌هوشی قادر به طرح شکایت نباشد. (ه) بزه دیده محجور باشد و ولی یا قیم دارد، اما ولی یا قیم او در حال بی‌هوشی است</p>
---	---

<p>موارد تعیین قیم موقت عبارت‌اند از: الف) بزه دیده محجور باشد و ولی یا قیم نداشته باشد. ب) بزه دیده محجور باشد، اما به ولی یا</p>	<p>و قادر به شکایت نیست. شاکی برای طرح شکایت باید عاقل و بالغ باشد، لذا مجنون و صغیر به تنهایی نمی‌توانند در</p>
--	--

موضوع قانون امور حسبی مسئولیت امر تعقیب پرونده را قیّم اتفاقی بر عده خواهد داشت. با حضور ولی قهری و یا قیّم قانونی، در صورتی که آنان مرتکب جرم نشده و یا در آن مداخله ننموده باشند، مسئولیت قیّم اتفاقی سلب می‌شود. بنابراین وظیفه قیّم اتفاقی تا حضور و مداخله ولی یا قیّم یا نصر قیّم قانونی ادامه خواهد داشت و این استمرار می‌تواند شامل مرحله اجرای حکم، خصوصاً در موردی که خود ولی مرتکب جرم نیست به مولی علیه شده باشد، گردد. (همان، ج ۱، ص ۱۴۲).

حکم ماده ۴۸ قانون امور حسبی که مقرر داشته «امور قیّمومت راجع به دادگاهی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است» و در رأی وحدت رویه ۲۲۴-۱۳۲۳/۷/۲۷ دیوان عالی کشور، نیز بر آن تأکید شده است. ناظر به مواردی است که ابتدائاً باید برای محجور قیّم تعیین شود و لکن بعد از تعیین قیّم به حکم ماده ۵۴ همان قانون «عزل و تعیین قیّم جدید

خصوص هیچ‌یک از جرائم طرح شکایت نمایند و مستفاد از مواد ۷۰ ق.آ.د.ک: و ماده ۱۲۱۴ ق.م، ولی یا قیّم آنها می‌بایست به طرفیت از مشارالیهما به طرح شکایت بپردازند، مع‌ذلک در دعاوی کیفری که جنبه مالی ندارد سفیه نیز می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید و در غیر این صورت (دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد) ولی یا قیّم سفیه باید از جانب وی شکوائیه را ارائه نماید. (الهی‌منش و رحیمی ج ۱، آ.د.ک، ص ۱۴۰).

هرچند سفیه جزء محجورین است اما فقط در مورد دعاوی مالی، دادستان ورود پیدا می‌کند و در موارد غیرمالی مانند این که سفیه تقاضای قصاص نفس برای قاتل را داشته باشد خودش می‌تواند شکایت کند.

حدود مسئولیت قیّم اتفاقی با توجه به مفهوم و منطوق ماده فوق‌الذکر تا زمان تعیین قیّم برابر قانون امور حسبی به موجب حکم قطعی دادگاه می‌باشد و تا زمان تعیین قیّم

۳۰- ۱۳۶۴/۱۰/۳ و با عنایت به مفاد ماده ۱۲۱۰ اصلاحی قانون مدنی، رسیدن صغار به سن بلوغ دلیل رشد آنان در غیر امور مالی می‌باشد، مگر این که خلاف آن ثابت شود. بنابراین فردی که به سن بلوغ رسیده و سفه (عدم رشد) او ثابت نشده باشد، می‌تواند در کلیه امور مربوط به خود به جز امور مالی که به حکم تبصره ۳ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است، دخالت نماید؛ لذا صغیری که به سن بلوغ رسیده، می‌تواند شکایت کیفری نماید و دادگاه مکلف به رسیدگی است. لیکن چنانچه شکایت کیفری مستلزم مطالبه مال از قبیل دیه یا ضرر و زیان ناشی از جرم باشد، باید ولی یا قیم وی در این خصوص اقامه دعوا نموده و محکوم به مالی بایستی تحویل ولی یا قیم شود. همین معنا از تبصره ماده ۷۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، استفاده می‌شود. (نظریه ۷/۲۴۲۸-۱۳۹۳/۱۰/۶.ح.ق).

نوجوانان بالغ کمتر از هجده سال

و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است»، بر این اساس در مواردی که دادستان هم طبق ماده ۲۱ قانون یادشده مکلف به اقدامی باشد، دادرسی که در معیت این دادگاه انجام وظیفه می‌نماید، صالح به رسیدگی است. (رأی وحدت رویه ۷۵۳-۱۳۹۵/۶/۲ دیوان عالی کشور).

تعیین قیم از وظایف و اختیارات دادستان است و بازپرس چنین اختیاری ندارد. از این رو چنانچه بازپرس در پرونده با محجور برخورد نماید، مراتب را به دادستان اعلام و فرد مناسب را پیشنهاد می‌کند، چنانچه دادستان با پیشنهاد بازپرس موافق باشد که آن فرد قیم موقت محسوب می‌شود و در غیر این صورت دادستان رأساً یک نفر را به عنوان قیم موقت معرفی می‌کند و بازپرس حق اختلاف ندارد و باید تبعیت نماید.

با توجه به رأی وحدت رویه شماره

می‌توانند شکایت کیفری نمایند. مقنن در جهت حمایت از اطفال و محجوران، این حق را به مادران یا اشخاص دیگری که حضانت یا نگهداری آنان را بر عهده دارند، داده است تا از کلیه طرق قانونی به منظور وصول نفقه طفل یا محجور تحت حضانت یا نگهداری، بهره‌مند گردند و مقید کردن حق مطالبه به صرف اقامه دعوی حقوقی برخلاف اطلاق ماده مزبور و در جهت کاستن از حمایت مورد نظر مقنن می‌باشد و مقررات فوق‌الذکر تعارضی نیز با مقررات ماده ۷۰ و نیز ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی ندارد؛ زیرا این مواد در جهت نفی حق قانونی مقرر در ماده ۶ قانون صدرالذکر نمی‌باشد. درهرحال، قانون عام لاحق مخصص قانون خاص سابق نیست. (نظریه ۷/۹۴/۲۷۰۵-۷/۱۰/۷۱۳۹۴/۱۰/۷.ح.ق.)

اما چنانچه شکایت کیفری مستلزم مطالبه مال باشد، ولی او باید در این خصوص اقامه دعوا نماید و محکوم‌به مالی نیز باید به ولی او تحویل شود. (ر.ک: نظریه ۴/۱۰/۱۳۸۷-۷/۷۲۰۹.ح.ق.)

قیم موقت که در اجرای ماده ۷۲ ق.آ.د.ک منصوب می‌گردد، اختیارات عام و کلی ولی را ندارد و لذا حق گذشت مجانی نسبت به حقوق صغیر را ندارد. (نظریه ۲۶/۷۲۳۲۶-۱۳۹۳/۹.ح.ق.)

برابر ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری محجور را بر عهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل و محجور را دارد. بنابراین اطلاق «اقامه دعوی» اعم از دعوی کیفری یا حقوقی به منظور مطالبه نفقه طفل می‌باشد و در واقع

ماده ۷۱- در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او باوجود مصلحت مولی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین

در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.

تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی و کیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند.

تبصره ۲- سازمان بهزیستی کشور مجاز است در موارد ضروری جهت جلوگیری از تضییع حقوق معلولان بی‌سرپرست به نمایندگی از آنها در دادگاه‌ها طرح دعوا و دادخواهی نماید.

تبصره ۳- آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف مدت سه ماه مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

اطلاق موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم در غیر محجور در ماده (۷۱)، خلاف موازین شرع است. (نظریه شورای نگهبان).	تعقیب یا اجرای حکم منوط به موافقت دادستان است.
پیش از این هم در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به حقوق این عده از بزه دیدگان اشاره شده بود. از جمله موارد اهتمام قانون‌گذار این است که در موارد مذکور در ماده فوق یعنی جایی که دادستان خود تعقیب را رأساً شروع می‌کند یا در مواردی که برای محجور قیم موقت تعیین می‌شود، موقوفی	وجود ولی قهری به دادستان اختیار اقدام در موارد موضوع این ماده را داده است و نمی‌توان موضوع آن را به مطالبه دیه در حالتی که بزه‌دیده فردی بالغ غیر رشید است، تسری داد. (نظریه ۹۴/۹/۳۰ - ۷/۲۶۲۸- ا.ح.ق)
	مواد مرتبط: قوانین مربوط به جنون، در توضیحات ذیل تبصره ۲ ماده

۱۳ همین قانون بیان شده است. نسبت به قیمومت افراد معلول از قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب (۱۳۸۳) ماده ۱۳- سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد سازوکار مناسب، مبادرت به صدور حکم نمایند.

ماده ۷۲- هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفاند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

آنچه در این ماده آمده است، از سال‌ها پیش، در قوانین کیفری کشورهای پیشرفته جهان راه‌یافته بود و روش مطلوبی است. لازم بود مفاد این ماده، برای همه شهروندان اجباری اعلام می‌شد. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۹).
 قیم موقت که در اجرای ماده ۷۲ ق.آ.د.ک منصوب می‌گردد، اختیارات عام و کلی ولی را ندارد و لذا حق گذشت مجانی نسبت به حقوق صغیر را ندارد. (نظریه ۱۳۹۳/۷-۹۳/۲۳۲۶.ح.ق).
 مفاهیم «نگهداری» و «سرپرستی» مذکور در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ که طی آن کلیه افراد مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، تکالیفی را قانون‌گذار متوجه آن‌ها نموده و در صورت تخلف از آن‌ها ضمانت اجرای کیفری را برای متخلفین در نظر گرفته است، دارای بار معنایی خاصی است و شامل سایر اشخاص نظیر مسئولین مراکز درمانی که فاقد مسئولیت در نگهداری و سرپرستی کودکان می‌باشند نمی‌گردد؛ و اقتضای اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز چنین است و نمی‌توان با تفسیر موسع متن جزایی دایره مشمولین آن را به موارد مشکوک و دارای تردید تسری داده با این وصف باید توجه

۵۹۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ در خصوص جرائم احصاء شده در ماده ۶۰۶ همین قانون که در حوزه تحت اداره و نظارت آنان واقع شده، جرم است. (نظریه ۷/۹۴/۹۹۰ - ۱۳۹۴/۴/۲۱ ا.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۳۶۳: هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رئیس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند.

از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ماده ۶۰۶: هر یک از روسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام

داشت که حسب ماده ۵ قانون مارالذکر کودک‌آزاری از جرائم عمومی است و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد و حسب ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (ماده ۷۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) مقامات و اشخاص رسمی چنانچه در حوزه کاری خود از وقوع جرائم غیرقابل‌گذشت مطلع شوند مکلف هستند آن را به دادستان اطلاع دهند اما عدم انجام تکلیف مذکور بدون این‌که در قانون خاص جرم انگاری شده باشد، جرم تلقی نمی‌گردد. (نظریه ۷/۹۳/۳۲۱ - ۱۳۹۳/۲/۱۵ ا.ح.ق).

هرچند ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقامات و اشخاص رسمی را مکلف نموده که در صورت اطلاع از وقوع یکی از جرائم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مراتب را به دادستان اطلاع دهند لکن با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات صرفاً عدم اعلام مقامات مذکور در ماده

نماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۳ از قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ مجازات مندرج در ماده ۶۰۶ را از دو جهت توسعه داده است.

بند ۲- وظائف دادستان پیش از شروع تحقیق در جرائم مشهود

ماده ۷۷- در صورت مشهود بودن جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان برای حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم را به عمل می‌آورد.

با توجه به مفاد این ماده، دادستان در صورت لزوم در جرائم مشهود و مشمول ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند تفهیم اتهام و قرار تأمین کیفری صادر کند. هرچند در کلیه جرائم مشهود، از جمله جرائم موضوع ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، با توجه به اطلاق عبارت «جرائم مشهود» در مواد مختلف این قانون و از جمله مواد ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۷۸ برای دادستان وظایف و اختیاراتی در خصوص صدور دستورات قضایی مبنی بر حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، پیش‌بینی شده است، باین‌حال در خصوص جرائم سیاسی و مطبوعاتی، با توجه به حساسیت و ماهیت خاص این جرائم در ماده ۷۷ قانون فوق‌الذکر، مجوز اقدام دادستان تا حضور و مداخله بازپرس در این جرائم داده نشده است و باید از همان ابتدا مطابق ماده ۹۲ آن قانون، انجام تحقیقات به بازپرس و در غیاب وی به دادرس دادگاه محول گردد. (نظریه ۷/۹۴/۱۴۷۰-۷/۱۰/۱۳۹۴/۶)

ا.ح.ق)

ماده ۷۸- در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت دادگاه محل خارج است، دادستان مکلف است تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم انجام دهد و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بداند، به عمل آورد و نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند.

از صلاحیت دادگاه محل مذکور در ماده ۷۸ صرفاً صلاحیت محلی نیست بلکه مقصود آن است که در مقر دادگاهی که دادرسی در معیت آن است، مرجع قضایی که صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارد، وجود نداشته باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۶۴۸-۳۰/۹۴/۹۴.ح.ق).
برابر صراحت ماده (۳۴۰) آ.د.ک. ۱۳۹۲، جرائم تعزیری درجه هفت و هشت مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به جرائم مزبور نیز به عهده دادگاه است؛ لکن چنانچه جرائم مشهود درجه هفت و هشت در ساعات غیر اداری یا ایام کشیک به مرجع قضایی منعکس شود، مستنبت از مواد (۷۸) و (۱۱۷) قانون یادشده،

مداخله دادستان در موارد موضوع ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که جرم مشهود خارج از صلاحیت دادگاه محل است، باید با رعایت مواد ۷۷ و ۹۲ این قانون صورت گیرد.. (نظریه ۷/۹۴/۲۶۴۸-۳۰/۹۴/۹۴.ح.ق).
با اتخاذ ملاک از ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ضرورت انجام اقدامات فوری در خصوص جرائم موضوع ماده ۱۰۲ قانون فوق‌الذکر، در صورتی که در مرئی و منظر عموم واقع شوند، قضات دادرسی اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و مخفی شدن متهم، انجام و مراتب را به دادگاه صالح اعلام می‌نماید. (نظریه ۷/۹۴/۱۰/۲۹-۱۷/۲۹۹۱.ح.ق).
مقصود از خارج بودن جرم مشهود

قاضی کشیک دادرسی می‌تواند تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم انجام دهد. (نظریه: ۳۴۲۴۶۴۴۴/۷ - ۱۳۹۴/۹/۲۵ اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح).

بند ۳- نظارت دادستان بر روند تحقیقات

ماده ۷۳- دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد.

راجع به نظارت دادستان نسبت به عملکرد بازپرس، در ماده‌های مختلف قانون بارها تأکید شده است و دیگر به درج این ماده در قانون نیازی وجود نداشت. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۹). مستفاد از مواد ۷۳، ۷۴ و ۷۵ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، دادستان شهرستان مرکز استان، حق دخالت در اقدامات قضایی مقامات دادرسی‌های شهرستان‌های تابعه مبنی بر تقاضای صدور قرار تأمین خاص، موافقت یا مخالفت با قرار تأمین یا قرار نهایی یا هرگونه اظهار نظر قضایی را ندارد، چه این‌که ضمانت اجرای نظارت و ارائه تعلیمات «تذکر» است، نه دخالت و تغییر مسیر پرونده‌ای که تحت پیگیری است. اما اظهار نظر راجع به جابجایی دادیار، مداخله در امور قضایی نیست و از لوازم نظارت اداری است، بنابراین بلامانع به نظر می‌رسد. (نظریه ۷/۹۴/۱۴۷۶ - ۹۴/۶/۱۰.ح.ق).

ماده ۷۴- دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.

با توجه به مواد ۸۸ و ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توقف جریان تحقیقات با توجه به مواد ۸۸ و ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این قانون در صورتی که پرونده به دادیار ارجاع شده باشد، فاقد منع